



## "هیچ بارانی شمارا شست نتواند" پیرامون بندوبست ارتجاع امپریالیستی و ارتجاع اسلامی



هرروز شمه‌ای از ابعاد گسترده بندوبست قدرت‌های امپریالیستی با دولت جنایتکار و تروریست جمهوری اسلامی فاش می‌شود. معاملات کثیف و ننگین پشت پرده این قدرت‌ها با ارتجاع اسلامی، یکی پس از دیگری، چهره کریمه دول امپریالیست اروپا و آمریکا که شب و روز از "آزادی" و "دموکراسی" دم می‌زنند و دعوی حقوق بشری را در بوق و کرنا می‌دمند، برملا می‌کند. تجربه، یکبار دیگر ثابت نمود قدرت‌های امپریالیستی از جمله اروپا و آمریکا در

در صفحه ۳

## جنگ داخلی دولت استبدادی - پلیسی اسلام‌گرا علیه زنان

حکومت کردن با توسل به قهر عریان روزمره، آخرین تلاش مذبحخانه ارتجاع حاکم بر ایران برای مقابله با بحرانی است که تمام ارکان آن را به لرزه درآورده است. همان‌گونه که دیگر برای چنین حکومتی راهی جز این باقی نمانده است که تمام نیروهای مسلح خود را برای مقابله با اعتراضات توده‌ای در آمادباش مداوم قرار دهد و هر روز برای سرکوب این اعتراضات گسیل کند، شکل دیگری از این اعمال قهر، مصوبه جدیدی است که مجلس ارتجاع در ۲۹ شهریورماه در ۷۱ ماده با هراس و دستپاچگی برای سرکوب زنان به تصویب رساند.

مفاد این مصوبه به‌وضوح نشان می‌دهد که این یک قانون معمولی رژیم نیست، بلکه در واقعیت یک دستورالعمل جنگی است که تمام ارگان‌ها و نهادهای دستگاه دولتی را برای تحقق هدف جنگ بسیج کرده است. چراکه تنها در شرایط جنگ است که در یک کشور، تمام ارگان‌ها و نهادهای دستگاه دولتی برای پیروزی در جنگ بسیج می‌شوند و هر یک وظایف فوری جدیدی را برای تحقق هدف جنگ بر عهده می‌گیرند. در اینجا اما نه یک جنگ با دشمنی خارجی، بلکه جنگ داخلی ارتجاع حاکم با زنانی است که علیه دولت و سیاست‌های زن‌ستیزانه آن قیام کرده‌اند و حجابی را که نماد عقب‌ماندگی و تقدس خرافات اسلامی است به آتش کشیده‌اند. ارتجاع اما تمام دستگاه دولتی را بسیج کرده تا گویا با شکست دادن زنان و احیای حجاب اجباری خود را پیروز میدان نشان دهد.

بنابراین، از آنجایی که این مصوبه فاشیستی در واقع یک دستورالعمل جنگ داخلی علیه زنان است، رهبری این جنگ را طبق ماده ۲ این مصوبه بر عهده وزارتخانه نظم ارتجاع، وزارت کشور، قراردادها که هماهنگ‌کننده نیروهای سرکوب و تمام دستگاه دولتی برای مقابله با طغیان است.

این مصوبه اعلام می‌دارد: "ایجاد هماهنگی، تدبیر پیش‌بینی سازوکار لازم و نظارت بر عملکرد دستگاه‌ها و نهادها و اشخاص حقوقی که در این قانون و مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در حوزه عفاف و حجاب برای آن‌ها تکلیف مشخص شده، بر عهده وزارت کشور است."

نیروی پلیس که تحت نظارت وزارت حفظ نظم و وظیفه میدانی و مستقیم جنگ را بر عهده دارد بر

در صفحه ۲

## روحیات مبارزاتی توده‌ها در هم شکستنی نیست

یک سال پیش در ۲۲ شهریور ۱۴۰۱، مهسا (ژینا) امینی توسط نیروهای گشت ارشاد دستگیر و سه روز بعد در ۲۵ شهریور بر اثر ضربات وارده بر سر و جانش در بیمارستان کسرای تهران جان باخت. قتل حکومتی ژینا در آن فضای ملت‌هت و انقلابی حاکم بر جامعه همانند جرقه‌ای بر انبار باروت تضادهای اجتماعی، به سرعت حریق شد و شعله‌های بلند آن در کوتاه مدتی سراسر کشور را فرا گرفت. در پی شعله‌ور شدن این حریق، ۲۶ شهریور - روز خاکسپاری مهسا - به اعتراض مردم سقر علیه جمهوری اسلامی تبدیل شد. شعله‌های خشم توده‌های بی‌باک مردم از سقر به سنج و از آنجا به دیگر شهرهای کردستان و پس از آن در قالب گستره‌ای از خیزش و قیام و نبردهای خیابانی به جای جای کشور سرایت کرد. از بهم پیوستگی مجموعه خیزش‌ها و قیام و نبردهای خیابانی در اقصا نقاط کشور، جنبشی انقلابی، عظیم و سراسری جامعه را فرا گرفت که تا آستانه سرنگونی جمهوری اسلامی پیش رفت. جنبشی بزرگ و تحسین برانگیز که طی چهار ماه با

در صفحه ۸

## دست درازی دولت به نان کارگران و دیگر زحمتکشان جامعه

در روزهای گذشته رسانه‌های جمهوری اسلامی از افزایش نرخ رسمی نان سنگک در تهران از ۲ هزار تومان به ۳ هزار تومان، در پی تغییر سهمیه آرد پارانهای ۳۰۰ نانویی سنگکی از نوع یک (کیلویی ۸۵۰ تومان) به نوع دو (کیلویی ۱۱۵۰ تومان) خبر داده و گزارشاتی در این رابطه منتشر کردند. به‌گفته‌ی محمد سلیمانی رئیس اتحادیه نانویان سنگک تهران "در واقعیت هیچ اتفاق خاصی نیفتاده". اما واقعیت این است که در پشت پرده‌ی این خبر به‌ظاهر ساده و بیان این‌که "هیچ اتفاق خاصی نیفتاده"، سیاست مهمی برای دستبرد به سفره محقر کارگران و زحمتکشان پنهان است. ببینیم اهمیت این موضوع از زاویه منافع کارگران و زحمتکشان در چیست؟

افزایش دور جدید نرخ رسمی بهای نان از خراسان و شهر مشهد آغاز شد. روزنامه "خراسان" روز ۴ مرداد با عنوان "نان ناگهان گران شد" به این موضوع پرداخت و از افزایش ۴۰ درصدی بهای نان در استان خبر داد. معاون فرماندار مشهد در این رابطه به روزنامه "خراسان" گفت: "افزایش قیمت خیلی وقت است

در صفحه ۵

## اعلامیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

بمناسبت بازگشایی مدارس و دانشگاه‌ها

در صفحه ۴

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

## جنگ داخلی دولت استبدادی- پلیسی اسلامگرا علیه زنان

سال و ممنوعیت از فعالیت عمومی در فضای مجازی از شش ماه تا دو سال و لغو کلیه امتیازات، تحقیقات و معافیت‌های اعطایی محکوم می‌شوند.

اما ماده ۳۶، مجازات را با ادعای جعلی "همکاری با دولت‌ها، شبکه‌ها، رسانه‌ها، گروه‌ها یا سازمان‌های خارجی یا معاند یا اشخاص معاند مرتبط با آن‌ها و یا بصورت سازمان‌یافته برای ترویج یا تبلیغ برهنگی بی‌عفتی، بی‌حجابی یا بد پوششی" تشدید کرده و حکم زندان تعزیری بیش از پنج تا ده سال و جزای نقدی را در نظر گرفته است. در همین بند راه مجازات اعدام نیز باز گذاشته شده و آن موردی است که دستگاه‌های اطلاعاتی رژیم برای متهم، پرونده‌سازی جاسوسی و امثال آن را کرده باشند که مفسد فی‌الارض است و مجازات آن اعدام.

با تمام این اوصاف که طبقه حاکم بر ایران تمام ارگان‌ها و نهادهای دستگاه دولتی را برای مقابله با زنان سازمان‌دهی و بسیج کرده است، آیا با این اقدامات می‌تواند هدف خود را در این جنگ داخلی علیه زنان محقق سازد؟ پاسخ قطعاً منفی است. گذشته از این‌که بسیاری از وظایفی که برای وزارتخانه‌ها، مؤسسات و نهادهای مختلف دستگاه دولتی در این مصوبه تعیین شده است، تحقق‌ناپذیرند، پیروزی رژیم در این جنگ ممکن نیست. اگر ارتجاع حاکم بر ایران در طول چهار دهه گذشته با تمام فشار، سرکوب و ستم بر زنان، نتوانست آن‌ها را به تمکین وادارد و شکست خورد، روشن است در شرایطی که میلیون‌ها زن، آگاه و بیدار شده‌اند، در شرایطی که نارضایتی و مخالفت با رژیم همگانی است و بحرانی همه‌جانبه سرتاپای رژیم را فراگرفته است، چیز دیگری جز شکست علید رژیم نخواهد شد. فقط یک ارتجاع کله پوک اسلامی می‌تواند

تصور پیروزی در جنگ با میلیون‌ها زن مبارزی را داشته باشد که امروزه از حمایت بخش بزرگی از مردان نیز برخوردارند. اکنون نه‌فقط زنان، بلکه عموم توده‌های مردم ایران خواهان سرنوشتی جمهوری اسلامی هستند و این واقعیت را مکرر در سال‌های اخیر نشان داده‌اند. از همین روست که باید گفت جنگ کنونی رژیم علیه زنان، در واقعیت، فقط علیه زنان نیست، بلکه تلاش ارتجاع برای میلیتاریزه کردن جامعه و بسیج مزدوران خود علیه تمام مردم و جنبش‌های انقلابی است. در چنین شرایطی، عموم توده‌های مردم ایران و جنبش‌های انقلابی باید با تمام قوا به حمایت از زنان اقدام نمایند، مبارزه را تشدید کنند و تلاش‌های ارتجاع حاکم را خنثی سازند. اتحاد عموم کارگران و زحمتکشان، زنان، دانشجویان و تمام ستمدیدگان برای سرنوشتی جمهوری اسلامی وظیفه فوری لحظه کنونی جنبش انقلابی مردم ایران است.

نهی از منکر و صدور مجوز فعالیت آن‌ها را عهده‌دار شده است.

ماده ۲۹ دستگاه قضائی را موظف ساخته به فوریت شعب تخصصی و رسیدگی خارج از نوبت را برای رسیدگی به پرونده‌های موضوع این مصوبه ایجاد کند و "باهدف بازدارندگی" اعمال مجازات‌ها را رسانه‌ای نماید.

وظیفه وزارت ارشاد، صداوسیما و سازمان تبلیغات اسلامی، تشدید سانسور و ممنوعیت پخش و صدور مجوز مغایر مصوبه علیه زنان و تولیدات هنری در دفاع و تقدیس حجاب است.

به تمام وزارتخانه‌ها، نهادها و مؤسسات دیگر وابسته به دستگاه دولت هریک مطابق این مصوبه وظیفه معینی در سرکوب زنان محول شده است. از وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم و بهداشت که وظیفه آن‌ها اجرای ضوابط حجاب اجباری، "ترویج سبک زندگی اسلامی خانواده محور و فرهنگ عفاف و حجاب در کلیه مقاطع تحصیلی" و اقدام نسبت به اعمال گزینش بدو خدمت و استمرار صلاحیت‌ها و جداسازی‌ها گرفته، تا اختصاص اعتبار لازم به مؤسسات مختلف مجری این جنگ، تسهیلات بانکی و معافیت مالی به واحدهای تولیدکننده لباس‌های سبک اسلامی از نمونه چادر مشکی، استخدام در دستگاه دولتی بر اساس مقررات اسلامی توسط سازمان اداری و استخدامی کشور، سازمان برنامه‌بودجه کشور، وزارتخانه‌های امور اقتصاد و دارائی، صنعت معدن و تجارت و غیره هرکدام به نحوی در این جنگ علیه زنان سهیم شده‌اند.

اما مجازات‌های پلیسی- قضائی فوری که برای زنان و دختران زیر ۱۸ سال در این جنگ در نظر گرفته‌اند، حیظه وسیعی را در برمی‌گیرد که از ۶ میلیون تومان جزای نقدی آغاز و تا ۱۵۰ میلیون تومان جزای نقدی، ۲ تا ۵ سال حبس، ۲ سال ممنوعیت خروج از کشور، ۶ ماه تا ۲ سال ممنوعیت فعالیت در فضای مجازی، ادامه می‌یابد. ظاهراً این‌ها مجازات‌های به‌اصطلاح معمولی است.

افرادی که دارای شهرت یا تأثیرگذاری اجتماعی اند و برطبق ادعای این مصوبه در فضای مجازی یا غیرمجازی مرتکب هر یک از جرائم موضوع مواد مصوبه شوند، علاوه بر محکومیت به مجازات مقرر در خصوص جرم ارتكابی از جزای نقدی ۲۸۰ تا ۵۶۰ میلیون تومان و محرومیت از فعالیت‌های شغلی یا حرفه‌ای یا تبلیغاتی به مدت شش ماه تا سه سال و ممنوعیت خروج از کشور به مدت شش ماه تا دو

طبق ماده ۳۰

موظف شده است با به‌کارگیری تمام نیروهای خود و نیز استفاده از مأمورین و سایر اشخاص مورد وثوق در مأموریت‌ها و تکالیف تعیین‌شده در این قانون، در معابر، اماکن، واحدهای صنفی، وسایل نقلیه و فضای مجازی، به وظیفه سرکوب زنان عمل کند.

"شناسایی کانون‌های عمومی آسیب‌زا و پرخطر در حوزه عفاف و حجاب و اتخاذ تدابیر لازم برای امکان مداخله فوری در مواجهه با گروه‌های سازمان‌یافته ترویج ناهنجارهای خلاف عفت عمومی" و همچنین مقابله با نهنجارشکنی و عادی‌سازی رفتارهای خلاف عفت در فضای مجازی وظیفه دیگری است که بر عهده این نیروی سرکوب قرار گرفته است.

ایجاد و تقویت سامانه‌های هوشمند شناسایی زنان با استفاده از ابزارهایی از قبیل دوربین‌های ثابت و سیار از دیگر وظایفی است که بر عهده پلیس سرکوبگر قرار گرفته است. قرار است تصاویر دوربین‌های وزارت اطلاعات و سازمان انرژی اتمی و وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح نیز در اختیار پلیس قرار گیرد

علاوه بر موارد فوق‌الذکر تأکید شده است به‌منظور گسترش پوشش سامانه‌های الکترونیکی کلیه دستگاه‌های موضوع این ماده موظف‌اند بانک‌های اطلاعاتی خود را در اختیار پلیس و قوه قضائی قرار دهند.

اما دخالت مستقیم در امور خصوصی مردم برای کسب اطلاعات به همین‌موارد محدود نشده است.

بر طبق ماده ۲۲- کلیه دستگاه‌های اجرایی و اشخاص حقوقی و حقیقی متولی ارائه خدمات به مردم از قبیل بانک‌های غیردولتی یا شرکت‌های حمل‌ونقل مسافر یا فروشگاه‌ها و صاحبان حرف و مشاغل و مسوولین محوطه شهرک‌ها یا مجتمع موظف شده‌اند تصاویر دوربین‌های خود را به مدت حداقل بیست روز نگهداری و آن‌ها را جهت شناسایی در اختیار پلیس قرار دهند.

در این دستورالعمل جنگی وظیفه وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه همانند پلیس، جلوگیری از گسترش فرهنگ بی‌حجابی و نیز کشف توطئه‌ها و فعالیت‌های سازمان‌یافته زنان و مداخلات بیگانگان تعیین‌شده است

"شناسایی اشخاصی که از طریق فعالیت در فضای مجازی یا غیرمجازی با همکاری دولت‌ها، شبکه‌ها، رسانه‌ها، گروه‌ها یا سازمان‌های خارجی یا معاند یا به‌صورت سازمان‌یافته اقدام به ترویج فرهنگ، برهنگی، بی‌عفتی، بی‌حجابی یا بد پوششی می‌کنند یا صوت، فیلم یا تصویر مرتبط با موضوعات فوق را به بیگانگان ارسال می‌نمایند" از دیگر وظایف دستگاه اطلاعاتی اعلام‌شده است.

ماده ۳۰- خواستار افزایش ساماندهی و گسترش توانمندی‌های بسیج در فضای حقیقی و مجازی و برنامه‌ریزی و هماهنگی جهت همکاری بسیجیان ضابط با سایر ضابطان در برخورد با زنان شده است.

ستاد امری‌معروف، حمایت از گروه‌های ظاهراً مردمی، اما درواقع مزدوران امری‌معروف و

**خوانندگان گرامی نشریه کار:**

**شماره بعدی نشریه کار ( ۱۰۳۹ ) در تاریخ**

**۱۷ مهر ۱۴۰۲ منتشر میشود.**

## هیج بارانی شمارا شست نتواند" پیرامون بندوبست ارتجاع امپریالیستی و ارتجاع اسلامی



همه‌ی این جلادان توسط یک شرکت هواپیمایی ایضاً " تحریمی" با خواست و کمک دولت آمریکا وارد این کشور شدند.

روشن بود که رئیسی در نشست سازمان ملل چیزی برای گفتن ندارد. سخنان وی جز مثنی حرف‌های تکراری و کلیشه‌ای و بی‌ارزش هیچ نکته تازه‌ای نداشت غیر از اینکه او نیز به سبک اربابش خامنه‌ای، تمام "جنیش زن، زندگی، آزادی" نیمه دوم سال گذشته را " پروژه غرب " خواند.

در جلساتی که در حاشیه نشست مجمع عمومی سازمان ملل برگزار شد نیز همه‌جا امکانات مختلف برای تبلیغ در اختیار رئیسی قرار گرفت. تمام بندوبست‌ها در پشت پرده انجام شده بود و جمهوری اسلامی باکی نداشت از اینکه یکی از جنایتکارترین مهره‌های خود را به سازمان ملل اعزام کند تا این شارلاتان از "چهره بشردوستانه" رژیم ضد انسانی جمهوری اسلامی سخن بگوید. رئیسی جلاد در گفتگو با شبکه سی ان ان در مورد آزادی ۵ آمریکایی گفت این مبادله به دلیل انگیزه‌های بشردوستانه بوده است وی گفت: " ما توانستیم چهره واقعی انسان دوستانه خود را نشان دهیم!"

او البته برای سنجش میزان انسان‌دوستی جمهوری اسلامی از دریافت مبلغ یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار به ازای آزادی هر آمریکایی هیچ سخنی نگفت و گمان کرد که با این حرف‌های صداً یک گاز می‌تواند چهره تروریستی و تروریسم عربان جمهوری اسلامی را پنهان کند.

تمام شواهد نشان می‌داد که جمهوری اسلامی در جریان بندوبست‌های خود با دولت آمریکا و سایر دولت‌های امپریالیستی، امتیازات و پشتوانه محکمی به دست آورده و از موضع قدرت سخن گفته و رفتار می‌کند. قدرتی که سرمنشأ آن بندوبست و توافق با همین دولت‌ها و امتیازاتی است که به آن اعطا شده است. در حاشیه نشست مجمع عمومی سازمان ملل و در هجدهمین نشست وزرای امور خارجه " مجمع گفتگوی همکاری آسیا " موسوم به ACD امیر عبداللہیان به‌عنوان رئیس جدید این مجمع انتخاب شد و او از شرکت‌کنندگان دعوت نمود سال ۲۰۲۴ مجمع در تهران برگزار شود.

از اعطای ۶ میلیارد دلار و حضور رئیسی در آمریکا و مجمع عمومی سازمان ملل گرفته تا جلسات تبلیغی جانبی همه به سود جمهوری اسلامی و امتیازاتی است که قدرت‌های امپریالیستی غربی و آمریکا آن‌هم درست در سالگرد قتل مهسا امینی و آغاز "جنیش زن، زندگی، آزادی" به ارتجاع اسلامی اعطا کردند.

در صفحه ۶

گروگان‌گیری‌های مکرر و معامله ننگین و شرم‌آور اخیر یکبار دیگر نشان داد که قدرت‌های امپریالیستی که در ظاهر خود را طرفدار مبارزات مردم از نوع آنچه در نیمه دوم سال گذشته رخ داد جا می‌زنند، اما در واقع تنها و تنها به منافع اقتصادی و سیاسی خود می‌اندیشند. دعوی آن‌ها در زمینه حقوق بشر و حمایت از مردم ایران نیز، یکسره دروغ و فریب است و چنانکه دیدیم هیچ ابایی ندارند از اینکه با ارتجاعی‌ترین، مستبدترین و جنایتکارترین افراد و رژیم‌ها وارد بندوبست شوند و بر آن، نام دیپلماسی نهند. هدف اصلی از طرح حمایت از مردم نیز استفاده ایزاری و کاربست اهرم فشار در بندوبست‌های آشکار و پنهان به‌مقصد گرفتن امتیاز بیشتر بوده، هست و خواهد بود و نه چیزی بیشتر از آن.

بندوبست‌ها و توافقات ارتجاع امپریالیستی با ارتجاع اسلامی، به موضوع ۶ میلیارد دلار، آزادی ۵ وابسته رژیم از زندان‌های آمریکا و ترغیب بیش از پیش جمهوری اسلامی به تروریسم و باج‌گیری و کسب‌وکار از طریق گروگان‌گیری خلاصه نمی‌شود. دعوت از ابراهیم رئیسی به نشست سازمان ملل و استقبال گرم آنتونیو گوترش دبیر کل این سازمان، فراهم‌سازی امکان جلسات تبلیغی در حاشیه این نشست، از موضوعات دیگری است که هفته گذشته تعجب بسیاری از حقوق بشری‌ها و متوهمان نسبت به مجمع و نهادهای بین‌المللی سرمایه‌داری را برانگیخت. پهن کردن فرش فرمز برای ابراهیم رئیسی یکی از اعضای اصلی هیئت مرگ که دستش تا آرنج در خون مبارزان آغشته و نقش مهم و مستقیمی در کشتار چند هزار زندانی



سیاسی در قتل‌عام سال ۶۷ داشته است و ظاهراً از افراد "تحریم" شده دولت آمریکاست، اقدام ننگین دیگری است که نه‌فقط در تقابل کامل با منافع و خواست‌های مردم ایران است بلکه کوبیدن مجدد مهر تأیید بر رژیم و کشتارهای دهه شصت و مشروعیت بخشیدن به جمهوری اسلامی و تمام جنایات هولناکی است که رئیسی در گذشته و حال مرتکب شده و می‌شود.

در میان خدمت‌شوم و هیئت همراه رئیسی نیز چندین و چند تن از افراد بدنامی که مستقیماً در سرکوب نقش و مشارکت داشته‌اند از نمونه غلامحسین اسماعیلی رئیس سازمان زندان‌ها، دادستان انقلاب مشهد، سخنگوی قوه قضائیه و رئیس دفتر کنونی رئیس‌جمهور که از اتفاق او هم جزء " تحریمی"ها است نیز حضور داشتند.

تنظیم مناسبات خود با ارتجاعی‌ترین و جنایتکارترین رژیم‌ها از نمونه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی، در همه حال در فکر تأمین منافع امپریالیستی خویش‌اند و در این راه اگر لازم آید، دست آدمکشان، قاتلان حرفه‌ای و باج‌گیران تروریست گروگان‌گیر را نیز به گرمی می‌فشارند.

روز دوشنبه ۲۷ شهریور، پس از آنکه مبلغ ۶ میلیارد دلار مسدود شده در کره جنوبی از طریق سوئیس به بانک‌های دوحه در قطر منتقل شد، ۵ گروگان دو تابعیتی آمریکا با یک هواپیمایی قطری وارد دوحه شدند و روز بعد هواپیمایی که حامل این گروگان‌های آزاد شده بود، در پایگاه هوایی نظامی آمریکا در ویرجینیا به زمین نشست. جمهوری اسلامی به ازای هر یک



گروگان، ۱ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار پول گرفت و در همان حال ۵ تن از عمال زندانی خود در آمریکا را آزاد نمود.

مذاکرات پشت پرده آمریکا و جمهوری اسلامی با میانجیگری قطر که از ماه‌ها پیش در جریان بود، به بندوبست‌ها و توافقات گسترده منجر شده که تن سپردن دولت آمریکا به اخاذی و باج‌گیری جمهوری اسلامی تنها یکی از آن‌هاست. قدرت‌های امپریالیستی اروپا و آمریکا با این معامله کثیف که مشوق رژیم تروریستی جمهوری اسلامی به ادامه و گسترش گروگان‌گیری و اخاذی است، یکبار دیگر به کسب‌وکار ارتجاع هار اسلامی رونق بخشید و درست در سالگرد جنیش "زن، زندگی، آزادی" وضعیت مالی رژیم شکنجه و قتل و کشتار را نیز تقویت کرد.

در جمهوری اسلامی، دستگاه امنیتی، کل سیاست خارجی و دستگاه دیپلماسی رژیم خصوصاً دیپلماسی گروگان‌گیری را هدایت می‌کند. مقامات جمهوری اسلامی نیز هیچ شرمی به خود راه نمی‌دهند از اینکه گروگان‌گیری را یکی از راه‌های درآمدزایی برای کشور اعلام کنند. از یاد نبریم محسن رضایی از فرماندهان قدیمی و ارشد سپاه در رابطه با حمله نظامی آمریکا و گروگان‌گیری گفته بود؛ اگر آمریکا به فکر حمله نظامی باشد مطمئن باشد در همان هفته اول حداقل ۱۰۰۰ آمریکایی را اسیر می‌گیریم که دولت آمریکا برای آزادی هرکدام باید چند میلیارد دلار بپردازد که از این طریق البته خیلی از مشکلات اقتصادی ما نیز ممکن است حل شود!



## اعلامیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

### بمناسبت بازگشایی مدارس و دانشگاه ها

در آستانه اول مهر ۱۴۰۲ هستیم. اول مهر میلیونها دانش آموز و دانشجو راهی مدارس و دانشگاه ها میشوند. امسال بازگشایی مدارس و دانشگاه ها مصادف است با یکسالگی خیزش عظیمی که تحت شعار زن - زندگی - آزادی با پیشگامی زنان و خیل عظیم جوانان و توده های زحمتکش تحت ستم استثمار و تبعیض و نابرابری سپهر سیاسی کشور رادگرگون کرده است. در جریان بیش از شش ماه مبارزه و مقاومت شجاعانه در برابر نیروهای وحشی سرکوب که علاوه بر استفاده از گلوله های جنگی و ساچمه ای، با حملات شیمیایی به مدارس دخترانه حتی به کودکان هم رحم نمیکردند، صدها زن و مرد و کودک و بزرگسال جان باختند و هزاران نفر دستگیر و روانه زندانها شدند. با این حال این خیزش گسترده و سراسری که در آن دانشجویان و دانش آموزان و آموزگاران نقش مهمی داشته و دارند، دستاوردهای بی بازگشتی را به همراه داشته است و برخلاف تبلیغات رژیم نه تنها خاموش نشده است بلکه مترصد جرقه ای دیگر است تا بار دیگر شعله کشد. بی شک دستاوردهای این خیزش فضای مدارس و دانشگاه ها را شاداب و کاربست تجربیات و آموزه های آن نسل جوان بویژه دانش آموزان و دانشجویان را در ادامه مبارزه برای رسیدن به خواستها و اهدافشان یاری خواهد رساند.

#### دانش آموزان، دانشجویان آموزگاران مبارز!

مدارس و دانشگاه ها در شرایطی بازگشایی میشوند که، بحران اقتصادی و سیاسی توده های زحمتکش مردم را در چنگال گرانی، بیکاری، بی مسکنی و فقر و ننداری میفشارد. در آغاز سال تحصیلی صدها هزار کودک و نوجوان به خاطر فقر و ننداری مجبورند به جای نشستن روی نیمکت مدارس و دانشگاه ها، در کوچه ها و خیابانها دنبال قوت لایموت بگردند و در عنفوان جوانی در چنگال صاحبان سرمایه، مافیای مواد مخدر و قاچاقچیان انسان گرفتار شوند و یا در بهترین حالت روزگارتیره و تار کار در کارگاه ها و مزارع و معادن را برای تامین ابتدائی ترین نیازهای معیشتی خود به جان بخرند. بسیاری از خانواده ها در شرایطی فرزندان خود را بدرقه راه مدارس میکنند که فشار اقتصادی و معضلات بیشمار دیگر، حتی از تامین نیازهای معیشتی و خوراک فرزندان شان عاجز هستند. فقر بسیاری از جوانان و نوجوانان طبقات زحمتکش را همچنان در آتش حسرت و ورود به مدارس و دانشگاه ها میسوزاند در حالیکه سالها است توده های مردم خواهان ممنوعیت کار کودکان و تحصیلات رایگان در همه سطوح هستند. علاوه بر آن، میلیون ها کودک ضمن اینکه از تدریس به زبان مادری محروم هستند، اساسا به دلیل فقر و ننداری از تحصیل محروم و به کودکان کار تبدیل می شوند و با سرنوشت شومی مواجه می شوند. در مدارس نیز میلیونها کودک به دلیل عدم آموزش علمی و مدرن از اوان کودکی با خرافات و تدریس مذهبی مواجه می شوند که به درست یکی از مطالبات جنبش معلمان طی سالهای گذشته بوده است. مخالفت با کالایی کردن مدارس و جایگزینی آن با تدریس علمی و آموزش مدرن از جمله خواست برحق معلمان در مدارس بوده است. از طرفی حمله به حقوق و معیشت معلمان زحمتکش کشور، اکثریت معلمان را ناگزیر کرده بمنظور حل معضلات مالی اوقات فراغت شان را بجای ارتقاء دانش در کارهای دیگر، نظیر مسافرتی و دکه داری و غیره صرف بکنند.

#### دانش آموزان، دانشجویان، و آموزگاران مبارز!

سال گذشته توده های مردم بویژه شما جوانان با پیش کامی زنان به ارتجاع حاکم و صاحبان قدرت و ثروت ثابت کردید که عزم تان سرنگونی انقلابی کل طبقه حاکم و دستگاه دولتی جنایتکار آن است، در این مبارزه نه به شاه و شیخ و نه به قدرتهای خارجی، بلکه به اراده خود متکی بوده و خواهان تعیین حق سرنوشت خویش بدست خود هستید. این جنبش تا پیروزی نهائی ادامه خواهد داشت. اکنون با آغاز سال تحصیلی رژیم بر آن است تا با بسیج نیروهای سرکوبگر خود مدارس، دانشگاه ها و سایر مراکز آموزشی را به قرق خود در بیاورد و با ایجاد جو رعب و هراس مانع شکلگیری کانونهای سازمانیافته و آگاه و پیش رو در دانشگاه ها و مدارس شود. کانونهایی که میتوانند در ارتقای سطح آگاهی و

سازمانیابی و پیوند جنبشهای اجتماعی نقش مهمی بازی بکنند. موفقیت و عدم موفقیت رژیم بستگی کامل به گستردگی و تداوم جنبش دانشجویی، دانش آموزی و قدرت سازماندهی و تدبیر عناصر پیشرو آن دارد. از این رو اهمیت دارد دانشجویان و دانش آموزان و جوانان پیشرو با جمع بندی از تجارب گذشته، بویژه خیزش زن - زندگی آزادی، در ارتباط با کارگران پیشرو و جوانان محلات زمینه های سازمانیابی و پیوند جنبشهای اجتماعی در سطح جامعه را فراهم بیاورند. صف خود را از عوامل رژیم و صاحبان قدرت و ثروت جدا سازند و با طرح مطالبات و شعارهای کارگران، زنان، جوانان، و مردم تحت ستم و استثمار و سایر زحمتکشان زمینه اتحاد صفوف آنها را برای نبردی سرنوشت ساز فراهم بیاورند.

در شرایط حساس کنونی دانشجویان، دانش آموزان، آموزگاران و استادان مبارزو پیشرو نقش بسیار مهمی در استمرار مبارزه و ارتقای سطح آگاهی و سازمانیابی و سمت و سوی انقلابی دادن به جنبش های اجتماعی برعهده دارند. بکوشیم در پیوند با مبارزات روبه گسترش جاری زنان، کارگران و زحمتکشان علیه نظام حاکم و بانجام وظایف انقلابی خود جایگاه تاریخی دانشگاه ها و مدارس را بمتابه یکی از سنگرهای مهم مبارزه برای آزادی و سوسیالیسم و دگرگونی های عمیق اجتماعی حفظ کنیم. **اتحاد و مبارزه رمز پیروزیست**

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی

زنده باد سوسیالیسم

امضا: سازمان اتحاد فدائیان کمونیست، اتحاد سوسیالیستی کارگری، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

۲۱ سپتامبر ۲۰۲۳

۳۰ شهریورماه ۱۴۰۲

## دست درازی دولت به نان کارگران و دیگر زحمتکشان جامعه

که در دستور کار قرار دارد... اجارمبهای بالا، دستمزدهای سنگین کارگران، افزایش مالیات و بهای آب، برق، گاز و تلفن مزید بر علت بود که باید تغییری در قیمت نان انجام می‌شد. این روزنامه همچنین از قول رئیس اتحادیه نانوبی‌های مشهد نوشت که پیشنهاد اتحادیه افزایش ۱۱۰ تا ۱۱۵ درصدی قیمت نان بود.

در روزهای بعد رسانه‌های جمهوری اسلامی از افزایش بهای رسمی نان در ۱۲ استان خبر دادند. روزنامه اعتماد ۱۳ مرداد به نقل از سخنگوی طرح "هوشمندسازی یارانه آرد و نان" خبر داد که اختیار تغییر قیمت نان به استان‌ها واگذار شده است. خاندوزی وزیر اقتصاد جمهوری اسلامی نیز روز چهارشنبه ۲۹ شهریور در حاشیه جلسه کابینه این خبر را تایید کرد و گفت: "نان در سراسر کشور قیمت واحد ندارد و قیمت آن منطقه‌ای و استانی تعیین می‌شود".

روزنامه همشهری در گزارشی که در این رابطه تهیه کرد با اشاره به تغییر نرخ رسمی نان سنگک این سوال را مطرح کرد که "چرا سنگک ۳ هزار تومانی نداریم؟" و برای پاسخ به این سوال سراغ رئیس اتحادیه نانوبیان سنگک تهران رفت. وی گفت: "پخت ۱۰۰۰ عدد نان ۳ هزار تومانی با آرد نوع دو در یک روز ۳ میلیون تومان می‌شود. در حالی که دستمزد کارگرانی که در نانوبی کار می‌کنند حدود ۲ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان است. برای همین هزینه‌های نانوبی اصلا پوشش داده نمی‌شود و نانوبیان مجبورند نان را به نرخ بالاتری نسبت مردم بدهند. در حال حاضر، قیمت نان سنگک اگر نان معقولی باشد یعنی وزن و کیفیت مناسبی داشته باشد کمتر از ۵ هزار تومان صرفه اقتصادی ندارد. یعنی اگر شما قرار باشد نان ۳ هزار تومانی بخرید نانوا مجبور است کمفروشی کند که بتواند هزینه‌هایش را آن‌هم نه به طور کامل جبران کند... کمک هزینه دولت در نانوبی‌های نوع ۲ تنها ۲۷ درصد به ما می‌رسد که در برابر هزینه‌های سرسام‌آور نانوبی ناچیز است و اگر این مشکلات رفع نشود نان سنتی خود به خود از چرخه تولید خارج می‌شود".

واقعیت این است که نرخ رسمی نان اساسا موجودیت خارجی ندارد و در هیچ‌کدام از نانوبی‌ها نمی‌توان نان را به نرخ دولتی و با وزن تعیین شده خرید. روزنامه همشهری نیز در گزارش خود می‌نویسد: "واقعیت این است که کمتر کسی در تهران دست‌کم طی یکسال اخیر، سنگک ۲ یا حتی ۳ هزار تومانی خریده و این نرخ‌ها با وجود قانونی بودنشان برای بیشتر مصرف‌کنندگان شوخی محسوب می‌شود. حداقل قیمت نان سنگک در تهران مدت‌هاست که روی رقم ۵ هزار تومان مانده و در بیشتر نانوبی‌ها قیمت همین نان ۵ هزار تومانی با مقدار کمی کنجد بر پشت و روی آن، به ۱۰ هزار تومان افزایش پیدا می‌کند".

بیشتر نیز دیگر رسانه‌های جمهوری اسلامی بارها از این واقعیت نوشته بودند که نان به نرخ دولتی وجود خارجی ندارد. "اعتماد آنلاین" اول شهریور در گزارشی با عنوان "گشت‌وگذاری در نانوبی‌های تهران؛ نان به قیمت دولتی پیدا نمی‌شود". با بیان اینکه "عدم رعایت قیمت در

نانوبی‌های مختلف به اندازه‌ای افزایش یافته که دیگر نمی‌توان نان با نرخ‌های اعلام شده دولتی پیدا کرد و عمده نانوبی‌ها نان را با قیمت‌های مورد نظر خود می‌فروشند"، نوشت: "نان بربری ۳ برابر قیمت مصوب دولت به فروش می‌رسد". این که نانوا با چه روش‌هایی نان را به قیمتی بالاتر به فروش می‌رساند، موضوعی است که خانواده‌ها هر روز در عمل با آن روبرو هستند. این موضوع را دولت نیز به‌خوبی می‌داند، اما در عمل جز حرف و تهدید در مورد کنترل قیمت و وزن نان کاری نمی‌کند. دلیل آن نیز روشن است. دولت به‌خوبی می‌داند که با قیمت دولتی پخت نان غیرممکن است.

واقعیت این است که هزینه آرد در قیمت تمام شده نان به‌طور متوسط حدود ۲۵ درصد است. بسیاری از هزینه‌های پخت نان از اجاره بها تا پول گاز و آب و برق و غیره در این مدت چند برابر شده‌اند. بخش بزرگی از این هزینه‌های چند برابری پول‌هایی‌ست که دولت بابت فیش آب، برق، تلفن و گاز از نانواها می‌گیرد. برای نمونه حداقل هزینه آب ماهانه یک نانوبی یک میلیون تومان است.

اما چرا دولت در ظاهر اصرار بر حفظ قیمت نان دارد و سیاست واقعی دولت در رابطه با یارانه نان چیست؟ سیاست دولت در یک کلام شانه‌خالی کردن از یارانه نان و انداختن هزینه آن بر دوش کارگران و زحمتکشان است. اما چگونه؟

دولت در ابتدا با عنوان پرطمطراق "جراحی اقتصادی"، یارانه‌ی بسیاری از کالاها را از جمله در بخش دارو و درمان حذف کرد. یکی از آن‌ها نیز یارانه آرد برای نان‌های حجیم و باگت، شیرینی‌پزی‌ها، کارخانه‌های تولید ماکارونی و غیره بود. آرد یارانه‌ای فقط به آن بخش از نانوبی‌های نان سنتی اختصاص یافت که با قیمت دولتی نان پخت می‌کردند.

در مرحله‌ی بعد به بهانه‌ی قاچاق آرد، به‌اصطلاح طرح "هوشمندسازی یارانه آرد و نان" را به اجرا درآورد. دولت هدف اصلی از اجرای این طرح را کنترل آرد مصرفی نانوبی‌ها اعلام کرد. بعد از متنی به دلیل افزایش هزینه‌های نانوبی‌هایی که به قیمت دولتی نان می‌فروختند، دولت وعده داد که برای جبران هزینه‌ها ۴۰ درصد از میزان فروش روزانه نانوبی‌ها را روزانه به حساب نانوبی‌ها واریز کند که در عمل مشکلات زیادی برای نانوبی‌ها ایجاد کرد. برای نمونه نانواها به دلایل گوناگون از جمله قطع اینترنت از دریافت این مبلغ محروم شدند، جدا از آن که در عمل اغلب نانواها مبالغ کمتری دریافت کردند. اما هدف اصلی دولت این بود که به بهانه‌ی کنترل میزان آرد مصرفی نانوبی‌ها برای جلوگیری از قاچاق، سهمیه آرد یارانه‌ای را کم کند و این کار را هم در ابعادی گسترده انجام داد. این سیاست منجر به تشکیل صف‌های طولانی در برابر نانوبی‌ها شد و ساعات کار نانوبی‌ها نیز به دلیل کاهش سهمیه کم شد. این موضوع باعث شد تا برخی از مردم به ناچار نان را با قیمت‌های بالا از نانوبی‌های آزادپز یا سوپرمارکت‌ها تهیه کنند. ضمن آن‌که دولت در این مرحله با کاهش سهمیه آرد به‌طور واقعی یارانه کمتری برای نان پرداخت کرد.

هدف اصلی دولت از اجرای مرحله‌ی دوم در واقع آماده‌سازی ذهنی مردم برای اجرای مرحله سوم طرح، یعنی آزادسازی کامل قیمت آرد است. ۲۱ تیرماه خبرگزاری دولتی فارس در به‌اصطلاح گزارشی نوشت: "برای توقف قاچاق آرد یارانه‌ای، برخی کارشناسان معتقدند باید یارانه آرد حذف شده و مابه‌تفاوت آن به مصرف‌کننده پرداخت شود".

این سیاست دولت را روزنامه خراسان نیز در تاریخ ۴ مرداد از زبان معاون فرماندار مشهد منتشر کرد. معاون فرماندار مشهد گفته بود: "راه حل مشکل نان، اجرای مرحله سوم آزادسازی یارانه آرد است که یارانه را دولت در اختیار مردم قرار بدهد و مردم نان را به قیمت مصوب دریافت کنند. به زودی و با اجرای مرحله سوم، این یارانه سر سفره مردم خواهد نشست". مرکز پژوهش‌های مجلس اسلامی نیز در دی‌ماه سال گذشته خواستار "آزادسازی کامل قیمت آرد برای تمامی نانوبی‌ها" شده بود.

بنابراین هدف نهایی دولت این است که مانند دوره‌ی ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد و یا آغاز دوران ریاست‌جمهوری رئیسی و طرح موسوم به "جراحی اقتصادی"، در ازای آزادسازی قیمت آرد، مبلغی پول به عنوان یارانه برای خرید نان به مردم پرداخت شود. البته طرحی نیز برای محدود کردن میزان خرید نان توسط هر نفر در دولت وجود دارد که در نهایت هدف یکی است، یعنی کاهش یارانه نان.

همه می‌دانند که ارزش پول سال به سال با تورم حداقل ۵۰ درصدی کاهش می‌یابد. به نوشته‌ی خبرگزاری دولتی "ایلنا" (۵ شهریور) "در مدت دو سال، یک تورم حداقل ۲۵۰ درصدی به سفره‌های زندگی مردم تحمیل شده است". بنابراین قدرت خرید ۳۰۰ هزار تومانی که به عنوان یارانه و در پی "جراحی اقتصادی" به گروهی از مردم داده شد، امروز به شدت کاهش یافته و حتا نصف قدرت خرید یارانه‌ی ۴۵ هزار تومانی طرح موسوم به "هوشمندسازی یارانه" را در زمان اجرا ندارد. همان‌طور که آن ۴۵ هزار تومان یارانه دوران احمدی‌نژاد، حتا بسیار قلیتر از "جراحی اقتصادی" به‌طور واقعی دیگر هیچ ارزشی نداشت.

سیاست‌هایی مانند "هوشمندسازی یارانه" و "جراحی اقتصادی" که اتفاقا شدیداً مورد حمایت نهادهای اقتصادی جهان سرمایه‌داری همچون "بانک جهانی" و "صندوق بین‌المللی پول" هستند، هدفی جز انداختن بار حذف یارانه‌ها در نهایت بر دوش مردم ندارند. نتایج "جراحی اقتصادی" را امروز کارگران و زحمتکشان با پوست و گوشت و استخوان خود لمس می‌کنند. قیمت کالاهای اساسی در طول کمتر از دو سال چند برابر شده است. همین اتفاق برای دارو نیز افتاد. در بودجه سال جاری یارانه دارو حتا نسبت به سال گذشته کاهش داشته و به اعتراف خودشان حداکثر پاسخگوی ۶ ماه است. این را هم در نظر داشته باشیم که هیچ کس نمی‌داند که برآستی چه میزان از یارانه‌ای که در بودجه برای دارو و نان در نظر گرفته شده در عمل پرداخت می‌شود و این شبهه شدیداً وجود دارد که تنها بخشی از این یارانه‌ها پرداخت می‌شود.

یارانه نان در بودجه امسال ۵۶ هزار میلیارد تومان در نظر گرفته شد. جدا از آن‌که ۵۶ هزار میلیارد تومان بویژه با توجه به افزایش شدید بهای گندم در جهان و وابستگی ایران به واردات گندم، اساساً پاسخگوی یارانه نان نیست؛ نباید فراموش کرد که با

## دست درازی دولت به نان کارگران و دیگر زحمتکشان جامعه

### هیچ بارانی شمارا شست نتواند" پیرامون بندوبست ارتجاع امپریالیستی و ارتجاع اسلامی

گسترش فقر و ناتوانی مردم از خرید برنج و گران شدن کالاهای جایگزین همچون ماکارونی، تقاضا برای نان یارانه‌ای نیز به شدت افزایش یافته است. حال اگر برای مثال نرخ تورم را ۵۰ درصد محاسبه کنیم. سال آینده می‌بایست دولت برای حفظ حتما همین شرایط فعلی ۵۰ درصد به یارانه نان بیافزاید، اما با این روش یعنی آزاد کردن قیمت آرد و دادن مبلغی به مردم، دولت برای سال آینده در میزان یارانه نان هیچ افزایشی نخواهد داد و حتما ممکن است به بهانه‌های گوناگون آن را کاهش دهد. سیاست جنایتکارانه‌ی جمهوری اسلامی در رابطه با نان که قوت لایموت خانواده‌های کارگری و دیگر زحمتکشان جامعه است، در حالیست که شانه‌های کارگران و زحمتکشان زیر بار تورم افسارگسیخته خم شده و افزایش بهای نان به‌طور مستقیم به افزایش بهای سایر کالاها منجر می‌شود. "موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی" وابسته به وزارت صمت چندی پیش ارزیابی خود از تورم سال‌جاری را ۶۰ درصد اعلام کرده بود. همان زمان نوری قزلقه یکی از نمایندگان مجلس گفته بود: "مسئولان مدام می‌گویند تورم ۴۰ درصد است، این در حالی است که می‌بینیم تورم ۱۲۰ درصد است". براساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس در دهه ۹۰، بیش از ۱۱ میلیون نفر از طبقه متوسط به زیر خط فقر سقوط کرده‌اند و بدون تردید در دو سال اخیر این روند بیش از گذشته شتاب گرفته است.

در واقع جوهره تمامی سیاست‌های اقتصادی دولت، انداختن هر چه بیشتر هزینه‌های سرسام‌آور دولت در عرصه‌های نظامی و غیره بر دوش مردم ستمدیده‌ی جامعه است. یک نمونه اخیر افزایش ۳۰ درصدی بهای محصولات پتروشیمی در هفته‌های اخیر است که تأثیر گسترده‌ای بر افزایش نرخ تورم خواهد داشت. هم اکنون بهای یک شانه تخم مرغ به ۱۶۰ هزار تومان رسیده است. ماهیت سیاست‌های دولت آن‌چنان عیان است که هفته گذشته رضایی یکی از نمایندگان "اصولگرا" مجلس گفت: "با این عملکرد دولت، تا چند وقت دیگر کمیته امداد باید همه ۸۵ میلیون نفر ایرانی را تحت پوشش خودش قرار دهد".

اما همین دولت که در پی آزادسازی قیمت آرد و دارو و مانند آن است، هنگامی که به افزایش سالانه حقوق و دستمزد می‌رسد، بهانه می‌آورد که افزایش حقوق به افزایش تورم می‌انجامد، دروغی مضحک که حتما مرغ پخته نیز از شنیدن آن به خنده می‌آید. جالب آن‌که همین دولتی که سال گذشته حقوق‌ها را حتما کمتر از نصف نرخ تورم رسمی یعنی ۲۱ درصد و برای سال آینده نیز براساس بخشنامه بودجه ۱۴۰۳ حدود ۲۰ درصد در نظر گرفته، برای چپاول اموال مردم هیچ محدودیتی برای خود قائل نیست.

در همین روزها اخباری از درون حکومت مبنی بر درآمد حداقل ۸ میلیارد تومانی هر یک از اعضای ۷ نفره "هیأت عالی مولدسازی" مرکب از مخبر معاون اول رئیسی، وزرای اقتصاد، کشور، راه و شهرسازی، رئیس سازمان برنامه و بودجه و

دول اروپا و آمریکا می‌دانستند و می‌دانند و کارشناسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز مکرر گزارش داده‌اند که جمهوری اسلامی به معیارهای آژانس از جمله میزان غنی‌سازی اورانیوم پایبند نبوده و ۲ سایت از ۳ سایت پنهانی اتمی جمهوری اسلامی که آژانس پرونده آن‌ها را مخومه اعلام نموده کماکان به فعالیت ادامه می‌دهند. جمهوری اسلامی اما بی‌واهمه ۸ بازرسان آژانس را از ایران اخراج نموده و به هیچ‌کس هم پاسخگو نبوده است. در نحوه برخورد جمهوری اسلامی با آژانس انرژی اتمی نیز بی‌سادگی می‌توان فهمید که جمهوری اسلامی پشتش به‌جای گرمی وصل است. جوزف بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در دیدار با عبداللہیان وزیر خارجه رژیم، ضمن ابراز آمادگی اتحادیه اروپا برای گفتگو پیرامون برجام، ملتسمانه خواستار بازگشت بازرسان آژانس شد. رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در واکنش به اقدام جمهوری اسلامی و اخراج بازرسان تنها به این اکتفا کرد که بگوید اخراج گروسی نامه نوشت و خواستار دیدار با رئیسی شد تا مجوز فعالیت بازرسان آژانس صادر شود. گوتترش دبیر کل سازمان ملل متحد نیز در نطق طولانی خود پیرامون بحران‌ها و چالش‌ها، وضعیت کنونی سازمان ملل را نامیدکننده خواند و از بن‌بست و ناکارآمدی این سازمان سخن گفت. وی زمانی که از نابسامانی اوضاع جهان و خشونت مبتنی بر جنسیت سخن می‌گفت، حتی نامی از جمهوری اسلامی نبرد!

اما جمهوری اسلامی بی‌اعتنا نسبت به این امتیازها، به این‌گونه درخواست‌ها که با لحن بسیار ملایم و بخشش‌آلتماس‌آمیز عنوان می‌شد پاسخی نداد. این شواهد نشان می‌دهند که توافقات و بندوبست‌های ارتجاع امپریالیستی و ارتجاع اسلامی بسیار گسترده بوده است. قدرت‌های امپریالیستی اروپا و آمریکا نیک می‌دانند که جمهوری اسلامی محدودیت قبلی در زمینه فروش نفت را دور زده و میزان فروش نفت بسیار بیشتر از میزان تعیین‌شده بوده است. ناصر کنعانی سخنگوی وزارت خارجه می‌گوید: "افزایش فروش نفت و انتقال دارایی‌ها و توسعه روابط خارجی بخشی از سیاست خارجی جمهوری

اسلامی بوده است".

این نخستین بار نیست که بشریت مترقی شاهد این‌گونه بندوبست‌های مضمّن‌کننده و معاملات کثیف است. این نخستین بار نیست که قدرت‌های امپریالیستی و مجامع و سازمان‌های بین‌المللی بر جنایات رژیم جمهوری اسلامی عامدانه چشم فرومی‌بندند. پرونده قدرت‌های امپریالیستی و نهادها و سازمان‌های بین‌المللی در زمینه بندوبست با جمهوری اسلامی، اعطای امتیاز و چشم فرو بستن بر جنایات رژیم تبهکار حاکم و جلدانی چون ابراهیم رئیسی به‌قدر کافی روشن و قطور است. مگر همین چندی پیش "مجمع اجتماعی شورای حقوق بشر سازمان ملل"، رژیم کشتار و شکنجه و اعدام را به‌عنوان رئیس مجمع شورای حقوق بشر انتخاب نکرد؟ مگر در خردادماه سال جاری اسدالله اسدی دبیرمات تروریست جمهوری اسلامی که در دادگاهی در بلژیک به ۲۰ سال زندان محکوم‌شده بود، از زندان آزاد و تحویل جمهوری اسلامی داده نشد؟ از این نمونه زد و بندهای ارتجاع امپریالیستی و ارتجاع اسلامی و آزادی تروریست‌های رژیم فراوان است. کاظم دارابی تروریست میکونوس در آلمان یک نمونه است و انیس نقاش در فرانسه نمونه دیگر!

این رویدادها برای هزارمین بار نشان داد که قدرت‌های امپریالیستی در مناسبات خود با جمهوری اسلامی تنها و تنها به منافع اقتصادی و سیاسی خود می‌اندیشند و تمام ادعاهای احتمالی آن‌ها در زمینه حمایت یا طرفداری از مردم ایران، یکسره دروغ است و فریبکاری.

در لجن‌زار سرمایه‌داری، همه‌چیز بر محور سود می‌چرخد و هر اقدامی که سودآور باشد مجاز است. کند و کثافت معاملات پشت پرده و بندوبست‌های مکرر ارتجاع امپریالیستی و ارتجاع اسلامی، فضا را آلوده است. بوی تعفن لجن‌زار شما مرتجعین و سرمایه‌داران هم‌جا را پر کرده و مشام تمام بشریت را آزار می‌دهد. بشریت مترقی و در رأس آن طبقه کارگر بالنده نیز راه دیگری جز براندازی و نابودی شما و نظم شما را ندارند. چرک و خون و کثافت از چهره‌ی شما زودنی نیست و "هیچ بارانی شمارا شست نتواند!"\*

\*از شعر پیوند ها و باغ‌ها- مهدی اخوان ثالث

صندوق ذخیره فرهنگیان به بهانه "برگزاری آئین رونمایی طرح ارزش مالکانه" به ۴۲ نفر پادشاه‌های چشمگیر داده‌اند.

همه چیز حکایت از این دارد که برای جمهوری اسلامی اساسا نان و فقر توده‌ها اهمیتی ندارد، نه دارو و درمان مردم و نه آموزش کودکان‌شان. تا زمانی که این دولت فاشیستی و استبدادی بر سریر قدرت است، بدون تردید مدام شرایط زندگی کارگران و زحمتکشان بنتر خواهد شد. برای رهایی از این ظلم، از این حکومت جنایتکار، تنها راه سرنوشتی آن است.

نمایندگان رئیس مجلس و رئیس قوه قضاییه برای تنها شرکت در ۲۴ جلسه در سال ۱۴۰۲ منتشر گردید.

همچنین در این روزها اخبار متعددی از افزایش حقوق‌های نجومی و پادشاه‌های عجیب و غریب منتشر شده است. مثلا مدیرعامل امداد خودرو سایپا برای رفتن به "کریلا" (اربعین) ۵۲ میلیون تومان حق ماموریت گرفته است. معاون سابق صندوق ذخیره فرهنگیان برای ۱۱ ماه اضافه کاری ۴۱۲ میلیون تومان دریافتی داشته است، یعنی ماهی حدود ۴۰ میلیون تومان. باز از جیب معلمان یعنی

## روحیات مبارزاتی توده ها در هم شکستی نیست

روزها و هفته های منتهی به سالگرد قتل مهسا، چهار بار بازداشت شد. تمام تلاش حاکمیت بر این بود تا با تهدید و ارباب، خانواده ژینا را از برگزاری هرگونه مراسم یادمان نخستین سالگرد فرزندشان باز دارند. وقتی تهدید نیروهای امنیتی موثر واقع نشد، وقتی مژگان افتخاری - مادر ژینا - با دلاوری تمام اعلام کرد که روز ۲۵ شهریور بر مزار فرزند خود حضور می یابد و از مردم هم خواست تا به او بپیوندند، جمهوری اسلامی با گسیل نیروهای نظامی و امنیتی دورتا دور خانه را محاصره و پدر و مادر مهسا را در حصر خانگی قرار داد.

همزمان با تهدید و ارباب خانواده ها، احضار و بازداشت و سرکوب فعالان اجتماعی افزایش یافت. در چند ماه گذشته تعداد کنیتری از معلمان، دانشجویان، نویسندگان، خبرنگاران، هنرمندان و سایر اقشار مردم دستگیر و تعداد بیشماری از آنان با احضار، بازداشت و یا تهدید و ارباب و نیروهای امنیتی مواجه شدند. در تمامی شهرها، زنان مبارز در صدر بازداشت شدگان قرار گرفتند. سرکوب و دستگیری ها در تهران، کردستان، گیلان، آذربایجان غربی و شرقی به شدت افزایش یافت. بر اساس گزارش "کمیته پیگیری وضعیت دستگیر شدگان"، در روز ۲۵ شهریور فقط در تهران نزدیک به ۶۰۰ زن دستگیر شدند که ۱۳۰ نفر از آنان به بند قرنطینه زنان در زندان قرچک منتقل شده اند. در آذربایجان غربی هم ۱۳۷ نفر از فعالان جنبش های اجتماعی بازداشت شدند.

وحشت از برپایی اعتراضات در نخستین سالگرد جانباختن زنده یاد مهسا امینی و جنبش انقلابی توده های مردم ایران آنچنان در دل رژیم هراس افکنده بود که بسیاری از بند رستگان جنبش انقلابی اخیر نیز از گزند سرکوب ماموران امنیتی در امان نماندند. تعداد پرشماری از بازداشت شدگان سال قبل که طی ماه های گذشته از زندان آزاد شده بودند، مجدداً احضار و با تهدید و ارباب از آنان تعهد گرفته شد تا روز ۲۵ شهریور از خانه بیرون نیابند. آنهایی که تسلیم تهدیدهای نیروهای امنیتی نشدند، دوباره بازداشت و روانه زندان شدند.

جمهوری اسلامی با چنین صفی آرایی نظامی در سراسر کشور، خود را برای مقابله با عصیان احتمالی توده های معترض در ۲۵ شهریور آماده کرده بود، تا کمترین اعتراضی صورت نگیرد. در این مدت، هیأت حاکمه از جمیع جهات زمین بازی و صحنه نبرد را آنگونه که برایش مقدر بود به نفع خود آرایش کرد. نیروهای سرکوب خود را در مقیاس سراسری به وضعیت آماده باش درآورد. طبیعتاً در چنین وضعیت نظامی سازماندهی شده در سراسر کشور، حتی اگر کمترین اعتراضی هم در ۲۵ شهریور رخ نمی داد، باز هم جمهوری اسلامی پیروز میدان نبود.

چرا و چگونه؟

زمانی که حاکمان مستبد جمهوری اسلامی از ماه ها قبل میدان نبرد را به نفع خود سازماندهی نظامی کردند، سرکوب را سراسری و بگیر و ببند را در تمامی عرصه ها گسترش دادند، منطق

رژیم به رغم همه تجهیزات و تمهیدات نظامی که تدارک دیده بود، نتوانست توده ها را منکوب و آنان را از اعتراضات خیابانی باز دارد. گستردگی اعتراضات با شعار مرگ بر جمهوری اسلامی در بعضی از شهرها موجب تیراندازی نیروهای رژیم به سوی مردم شد. تا جاییکه دو نفر از مبارزان خیابانی در سقز و ممسنی بر اثر شلیک گلوله جان باختند. در رشت و چند شهر دیگر هم به سوی معترضان گلوله های ساچمه ای شلیک شد که تعدادی زخمی شدند. در واقع آنچه در ۲۵ شهریور اتفاق افتاد، به عینه ناکامی و شکست رژیم را در منکوب کردن توده ها نشان داد.

ناگفته پیداست ناکامی رژیم در درهم شکستن روحیه مبارزاتی توده ها، ارتباط مستقیم با شرایط انقلابی جامعه، تعمیق بحران های درونی حاکمیت، تحولات سیاسی جامعه و روحیات بالای مبارزاتی زنان و جوانان و عموم توده های مردم ایران دارد. توده هایی که دیگر نمی خواهند و نمی توانند وضعیت فلاکتناز موجود را تحمل کنند.

وحشت و سراسیمگی حاکمیت از ۲۵ شهریور نشان داد، جنبش انقلابی مردم کماکان زنده است و به آسانی خاموش نمی شود. روحیات بالای مبارزاتی توده ها مبین این واقعیت است که جامعه در تب و تاب است و در زیر پوست جامعه غوغایی برپاست. روز ۲۵ شهریور ۱۴۰۲، آنگونه که رژیم با وحشت تمام خود را برای مقابله با وقوع یک شورش و قیام احتمالی مردم سازماندهی کرده بود، قیامی رخ نداد و صد البته قرار هم نبود که قیامی همانند شهریور سال گذشته صورت گیرد. اگرچه روز قیام و شورش و برخاستن عمومی مردم قابل پیش بینی نیست، اما فراموش نکنیم که جامعه، لبریز از تضادها و تلاطمات بزرگ سیاسی است. بحران ها و تلاطماتی سهمگین که با بودن جمهوری اسلامی هیچگونه راه حلی برای تضادهای موجود و یا تعدیل آن ها متصور نیست.

کارگران و زحمتکشان، زنان و جوانان، دانشجویان و معلمان، بازنشستگان و نویسندگان و عموم توده های جان به لب رسیده به دنبال یک راه حل انقلابی و راهی از وضعیت فلاکتناز موجودند. پوشیده نیست، تا زمانی که شرایط بحرانی و انقلابی موجود در جامعه پابرجاست، تا زمانی که یک دگرگونی بنیادی در جامعه صورت نگیرد و تا زمانی که جمهوری اسلامی پابرجاست، همواره و در هر لحظه وقوع قیام و شورش و نبردهای خیابانی غیر قابل پیش بینی، محتمل است. مسلمانان کارگران و زنان و جوانان و عموم توده های مردم ایران در لحظه ای که رژیم در موضع ضعف است، و احیاناً در همان زمانی که حاکمیت مغرورانه همه چیز را پایان یافته تلقی می کند، با یک جرعه عصیان می کنند و با پرچم جان برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی به میدان می آیند.

مبارزه حکم می کند که توده های مردم ایران در زمینی که جمهوری اسلامی با تانک و سلاح و بسیج نیروهای سرکوب تدارک دیده است، وارد بازی نشوند. بسیار طبیعی است که مردم در چنین شرایطی نابرابر و سرکوبگرانه، با دست خالی خود را در مقابل آدمگشان رژیم قرار نمی دهند. با این همه باز هم مردم ساکت ننشستند و در محدوده های معینی در خیابان ها حضور یافتند. چنانکه دیدیم عمده اعتراضات خیابانی خاصه در تهران در غروب و به هنگام تاریکی شب شروع شد تا تلفات کمتری داشته باشند.

آنچه در دیماه ۹۶، آبان ۹۸ و بطور اخص در شهریور ۱۴۰۱ بعد از مرگ ژینا رخ داد، اصل غافلگیر شدن رژیم توسط توده های مردم ایران بود که اقتدار حاکمیت را شکست و رژیم را تا آستانه سقوط پیش برد. روشن است زنان و جوانان و کارگران و عموم توده های مردم ایران با استفاده از اصل غافلگیری و تجربه تاکنونی خود، زمانی وارد نبردهای وسیع خیابانی با جمهوری اسلامی می شوند که خود موقعیت زمانی و مکانی نبرد را تعیین کرده باشند. زمانی که بر بستر بحران انقلابی موجود ناتوانی رژیم بیش از پیش برایشان آشکار شده باشد. زمانی که توده ها از هر زمان دیگری نسبت به قدرت و توانمندی خود در مبارزه با رژیم اعتماد به نفس بیشتری پیدا کرده اند. تردیدی نیست بر بستر شرایط انقلابی موجود، چنین اتفاقی هر آن ممکن است به وقوع بپیوندد.

با اینهمه و به رغم اینکه جمهوری اسلامی یک فضای نظامی - امنیتی بسیار سنگینی را در مقیاس سراسری سازماندهی کرده بود، آنچه در نخستین سالگرد قتل حکومتی مهسا امینی رخ داد، آنچه از مجموعه اعتصابات و اعتراضاتی که در محدوده های معینی در ۲۵ شهریور اتفاق افتاد، حرکتی در خور بود که بار دیگر شور و شوق و امید را در جامعه برانگیخت.

شکل گیری اعتصاب عمومی در کردستان، اعتراضات خیابانی جوانان و زنان معترض در شهرهای مختلف که با شعارهایی نظیر "مرگ بر دیکتاتور"، "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "مرگ بر خامنه ای" و "آزادی، آزادی، آزادی" صورت گرفت، عملاً ناکامی جمهوری اسلامی را در درهم شکستن روحیات مبارزاتی مردم به نمایش گذاشت. حضور خیابانی جوانان در شهرهایی نظیر سقز، مریوان، سنندج، رشت، همدان، مشهد، کرمان، زاهدان، استان البرز، بابل، آمل، چهارمحال بختیاری، و نیز در مناطق مختلف تهران نظیر اکباتان، تهران پارس، نازی آباد، فلکه صادقیه و شریعتی در همان محدوده معینی که صورت گرفت، به عینه نشان داد که روحیات مبارزاتی مردم درهم شکستی نیست و

**رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت**

## روحیات مبارزاتی توده ها در هم شکستی نیست

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri  
Postfach 410  
4410 Liestal  
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.  
شماره حساب:

نام صاحب حساب : Stichting ICDR

NL08INGB0002492097  
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<https://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

[info@fadaian-minority.org](mailto:info@fadaian-minority.org)

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>  
آدرس کانال سازمان در تلگرام:

[http://T.me/fadaian\\_aghaliyat](http://T.me/fadaian_aghaliyat)  
آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>  
آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

ای میل تماس با نشریه کار:

[kar@fadaian-minority.org](mailto:kar@fadaian-minority.org)

**KAR** Organization  
Of Fadaian (Aghaliyat)  
No 1038 September 2023

شهرهای کردستان از ماه‌ها پیش شروع کردند. سراسر کردستان شکل نظامی به خود گرفت. با نزدیکتر شدن به سالروز قتل مهسا امینی آرایش نظامی رژیم نیز شکل عریانتری به خود گرفت. علاوه بر کردستان، صف آرای نیروهای سرکوبگر رژیم در خیابان و میدان‌های شهرهایی نظیر تهران، تبریز، مشهد و کرج در روز ۲۵ شهریور به حدی چشمگیر بود که وضعیت ظاهری این شهرها شکل مناطق اشغال شده توسط یک ارتش خارجی را به خود گرفت. در کنار این صف آرای نظامی جمهوری اسلامی، سرکوب عمومی نیز افزایش یافت. احضار، تهدید، و اذیت و آزار خانواده‌های جانفشاندگان جنبش انقلابی سال گذشته به طرز بی سابقه‌ای شدت گرفت. یورش به خانواده‌ها از هفته‌های پیش آغاز شد. در این مدت اعضای خانواده بسیاری از کشته شدگان جنبش اخیر مورد احضار و یورش و تهدید و بازداشت قرار گرفتند.

اعمال فشار بر خانواده‌ها آنچنان شدت یافت که در مواردی تمام اعضای خانواده جانباختگان از جمله پدر، مادر، خواهر و نامزد "خانه کیا" از جانفشاندگان نوشهر، بازداشت شدند.

در این میان، اما اعمال فشار بر خانواده مهسا به شدت افزایش یافت. امجد امینی، پدر "ژینا" در

در صفحه ۷

دلآوری‌های کم نظیری در کف خیابان‌ها استمرار یافت. جنبشی که از یک سو حاکمیت را در وحشت سرنوشتی فرو برد و در سوی دیگر بازقه‌های امید به انقلاب و رهایی را بیش از هر زمان دیگری در اذهان عموم توده‌های مردم ایران تقویت کرد. جنبشی که به نام "مهسا" رقم خورد، نام او رمز شد و ۲۵ شهریور به عنوان سرآغازی برای شکل‌گیری یک جنبش بزرگ و انقلابی در حافظه تاریخی توده‌های مردم ایران ثبت گردید.

بر بستر چنین نگاهی از اثرگذاری قتل حکومتی مهسا در ذهنیت توده‌های مردم ایران بود که جمهوری اسلامی از ماه‌ها پیش خود را برای مقابله با اعتراضات احتمالی توده‌ها در یادممان نخستین سالگرد قتل "مهسا" آماده کرد. هیأت حاکمه که با شکل‌گیری جنبش انقلابی نیمه دوم سال ۱۴۰۱ به شدت غافلگیر و تا مدتی ابتکار عمل را از دست داده بود، اینبار با آمادگی، تمام امکانات و نیروهای سرکوبگر خود را بسیج کرد تا به زعم خود بتواند جلوی هرگونه شکل‌گیری اعتراضات خیابانی را در سالروز ۲۵ شهریور بگیرد.

در تمام ماه‌های گذشته، وحشت از اوج‌گیری دوباره جنبش انقلابی "زن، زندگی، آزادی" به کابوسی دهشتناک برای هیأت حاکمه تبدیل شده بود. از این رو، استقرار نیروهای سرکوب در



[tvshorashora@gmail.com](mailto:tvshorashora@gmail.com)

### تلویزیون دمکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسانهای زحمتکش و ستم دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

### بینندگان تلویزیون دمکراسی شورایی، دوستان، رفقا و همراهان

تلویزیون دمکراسی شورایی در روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه از ساعت هشت تا نه و نیم شب و در روزهای سه‌شنبه، پنجشنبه، شنبه و یکشنبه از ساعت شش و نیم تا هشت شب به وقت ایران، برنامه‌های خود را به مدت ۹۰ دقیقه روی شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی در ماهواره یاه ست پخش می‌کند.

برنامه‌های تلویزیون دمکراسی شورایی را همچنین می‌توانید در سایت سازمان فدائیان (اقلیت) و شبکه‌های اجتماعی فیسبوک، تلگرام، اینستاگرام و یوتوب نیز دنبال کنید. مشخصات تلویزیون دمکراسی شورایی را به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید. مشخصات ماهواره‌های شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی

#### Alternative Shorai

Satellite: Yahsat

Frequency: 12594

Polarization: عمودی / Vertical

Symbol Rate: 27500

FEC: 2/3

آدرس ایمیل تلویزیون دمکراسی شورایی: [tvshorashora@gmail.com](mailto:tvshorashora@gmail.com)

شماره تلفن: ۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی